اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت نود و دو)

عرفانهای قدیم و نوظهور (بخش چهارم)

همانطور که در قسمت قبل گفته شد، شیطان براساس سیستم حلقه ها ، نظام شرّ را می گرداند. هر گناهی که بیش از دو نفر عضو داشته باشد، خودبخود به یک گناه حلقه ای تبدیل میشود. بنابراین مسخره کردن دیگران، غیبت کردن دیگران، چشم و هم چشمی، حسادت و کینه و رقابتهای ناسالم همگی جزو گناهان حلقه ای بحساب میایند. گناهان حلقه ای باعث گیر افتادن دسته جمعی افراد در تله شیطان میشود. شیطان روی این جنبه از شرّ خیلی فعالیت میکند. زیرا فردی که وارد گناهی مثل غیبت کردن شود، اگر بخواهد توبه کند، باید علاوه بر تنبیه نفس خود، قهر و غضب و متلکهای هم حلقه ای ها را هم تحمل کند. اگر در یک جمع که همگی غیبت میکنند، یکی از اعضاء بخواهد غیبت نکند و یا غیبت نشنود؛ مورد قهر سایر اعضاء قرار می گیرد.

بعضی حلقه ها، آلوده اند و بیماریهای مسری روانی و حتی بیماریهای مسری جسمی دارند. اگر یکی از اعضاء بیماری روانی داشته باشد، به دیگران هم سرایت میکند.

زنانی که در یک جمع مشغول مسخره کردن دیگران میشوند و یا چشم و هم چشمی و غیبت میکنند؛ آزمایشات واقعی نشان داده است، که اگر یکی از آنها بی نظمی قاعدگی داشته باشد، به دیگران هم سرایت میکند. بیماریهای روانی هم در حلقه ها بشدت برای سایر اعضای حلقه مسری است. لَا يَسْخَرْ **در عربی علاوه بر معنای سخره گرفتن، به چشم و هم چشمی هم میتوان ترجمه کرد.**

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١١﴾

ای اهل ایمان! نباید گروهی گروه دیگر را مسخره کنند، شاید مسخره شده ها از مسخره کنندگان بهتر باشند، ونباید زنانی زنان دیگر را [مسخره کنند] شاید مسخره شده ها از مسخره کنندگان بهتر باشند، و از یکدیگر عیب جویی نکنید و با لقب های زشت و ناپسند یکدیگر را صدا نزنید؛ بد نشانه و علامتی است اینکه انسانی را پس از ایمان آوردنش به لقب زشت علامت گذاری کنند. و کسانی که [از این امور ناهنجار و زشت] توبه نکنند، خود ستمکارند. (۱۱)

همچنین تقلید میان اعضای حلقه یک امر رایج است. اگر کسی مثلا شکل خاصی را خالکوبی کند ، دیگران هم به تبع او این کار را میکنند. زیرا این جور کارها، جزو مانیفیست بعضی حلقه هاست که از لایه بالاتر دیکته میشود. همه میدانیم که عملهای جراحی زیبایی در نود و نه درصد موارد غیر ضروری است و فقط یک تقلید و چشم و هم چشمی است. مردم با تقلید کردن در این گونه موارد، تمام مشکلات خودساخته یک گروه و حلقه را برای خود میخرند و تمام وقتشان به رفع و رجوع این مشکلات تلف میشود و هزینه های زیادی برای خود می تراشند. مشکلات و دغدغه های داخل

حلقه ها به تمام اعضای حلقه منتقل میشود و بار زیادی برای سایر افراد هم بوجود میاید.

خیلی از مردم ، شبها مشغول گوش کردن و نگاه کردن آهنگهای عاشقی و فیلمهای تلویزیونی در مورد عشق و خیانت و توهمات دیگر میشوند و به این طریق، بطور مجازی یک حلقه تشکیل میشود و همگی با هم تحت تاثیر قرار می گیرند. تشکیل شدن یک حلقه نیازی به نزدیکی مکانی افراد ندارد. حسهای شیطانی که همگی در یک زمان تولید میشود؛ گیر شیاطینی می افتد که ستونها و رابطهای این حلقه هایند. یک نکته مهم این است که تمام قدرتهایی که افراد و اعضاء حلقه های شرّ دارند، از خودشان نیست و بلکه بیشترش وابسته به شیاطین داخل حلقه است. قدرت کاذب، اعتماد به نفس کاذب، توکل کاذب، وابستگی کاذب، همگی از خصوصیات حلقه های کاذب است. وقتی نیروها و کمکهای خدا برسد، شیاطین داخل حلقه لعنت و دفع میشوند و فرار میکنند و در نتیجه اعتماد به نفس کاذبی که افراد کسب کرده اند، همگی در آن لحظه باد هواست و افراد در آن موقع خود را تنها می بینند و نا امیدی و استرس و اضطراب و ترس به آنها هجوم می آورد.

طبق فرموده خدا در قرآن، در جنگ بدر، شیطان اعمال مشرکان را برایشان بیاراست و گفت امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نخواهد شد و من پناه شما هستم و انواع غرورها را به آنها تزریق کرد و مشرکین دچار توهم قدرت شدند؛ اما هنگامی که خدا فرشتگان را برای کمک مومنان فرستاد و دو گروه یکدیگر را دیدند، شیطان

به عقب برگشت و فرار کرد و گفت من از شما بیزارم من چیزی را می بینم که شما نمی بینید. من از خدا بیمناکم و خدا سخت کیفر میکند.

وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمُ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَاءَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقِبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۴۸﴾

و [یاد کن] هنگامی را که شیطان اعمال آنان را برایشان بیاراست و گفت امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نخواهد شد و من پناه شما هستم پس هنگامی که دو گروه یکدیگر را دیدند [شیطان] به عقب برگشت و گفت من از شما بیزارم من چیزی را می بینم که شما نمی بینید من از خدا بیمناکم و خدا سخت کیفر است (۴۸)

شیطان اینجا چی دید که ترسید و فرار کرد؟ شیطان نیروهای خدا را دید و در آن موقع فرار کرد و عقب نشینی کرد. بنابراین در آن موقع حلقه فروریخت و تمام اعتماد به نفسهایی که مشرکین در حلقه دریافت کرده بودند، پرید؛ مثل ماده مخدری که نشئگیش می پرد و در نتیجه مشرکین شکست سختی خوردند.

افرادی که عضو حلقه اند، دارای غرور و باد کاذب هستند و بنابراین خیلی زود بادشان می خوابد. حلقه های شرّ نقطه ضعف مهمی دارند و اگر کسی آن را بداند، دیگر نه تنها مجذوب زرق و برق این حلقه ها نمیشود، بلکه بر آنها پیروز هم میشود. آن نقطه ضعف، نبود صبر است. در درون حلقه ها، آیتمی به عنوان صبر وجود ندارد. آیه زیر می فرماید که اگر از میان مومنان، بیست تن شکیبا و صبور باشند بر دویست تن چیره می شوند. اگر یکصد تن شکیبا و صبور باشند بر هزار تن پیروز می گردند و در آیه دیگری، خدا طرح ضعیفانه تری برای افراد ضعیف تر می فرماید که در حالت ضعف،

اگر از مومنان هزار تن باشند به توفیق الهی بر دو هزار تن غلبه می کنند. زیرا خدا با صابران است (وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ **).**

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿۶۵﴾

ای پیامبر مؤمنان را به جهاد برانگیز اگر از [میان] شما بیست تن شکیبا باشند بر دویست تن چیره می شوند و اگر از شما یکصد تن باشند بر هزار تن از کافران پیروز می گردند چرا که آنان قومی اند که نمی فهمند (۶۵)

الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿۶۶﴾

اکنون خدا بر شما تخفیف داده و معلوم داشت که در شما ضعفی هست پس اگر از [میان] شما یکصد تن شکیبا باشند بر دویست تن پیروز گردند و اگر از شما هزار تن باشند به توفیق الهی بر دو هزار تن غلبه کنند و خدا با شکیبایان است (۶۶)

این آیه نکته مهمی را به ما می فرماید. بیست نفر میتواند بر یک حلقه دویست نفری غلبه کند. این آیه را میتوان جور دیگری هم تعبیر کرد و آن هم این است که اگر بیست نفر آدم معتقد در جامعه باشند که تمامی جوانب (پندارنیک-کردار نیک-گفتار نیک-گفتار صبر) را رعایت کنند؛ به امر و اذن خدا، تعداد دویست نفر از آن جامعه، از حلقه های شرّ دور نگه داشته خواهند شد. یعنی در یک جامعه ، فقط کافیست یک دهم اعضاء مومن باشند و در چرخه ی نیک باشند؛ دیگر آن جامعه، جامعه ای امن خواهد بود. اگر الان می بینید که جامعه ما امن نیست؛ به این خاطر است که چنین

نسبت جمعیتی ای موجود نیست. این آیه میخواهد به ما بفهماند که ارزش انرژی های افراد حلقه های شرّ یک دهم افراد نظام رحمانی است.

در حلقه ها، کارهای مفید کمتری انجام میشود و اگر هم انجام شود، نسبت به جامعه رحمانی، یک دهم است. به همین خاطر است که اکنون در جامعه ما کارهای مفید کمتری انجام میشود. تعمیرکار به تعویض کار تبدیل شده است؛ ابداعها شده کپی برداری؛ الگوگیری از یک فرد به تقلید تبدیل شده است و معانی و مفاهیم کارها و نیکی ها گم و یا کم رنگ شده است.

در بعضی حلقه ها و گروهها، وقتی مردم خانه میخرند، گوسفندی را قربانی میکنند و خونش را به در و دیوار خانه می پاشند تا خیر و برکت به خانه جدید برسد! یا اینکه وقتی ماشین جدید می خرند، قربانی میکنند و خون آن را به تایر ماشین میزنند تا ماشین ایمن باشد. این تفکرات جاهلی است. آنها فکر میکنند که خون قربانی دارای تاثیرات غیبی است. خدای مهربان تاثیرات اینچنینی را نفی میکند و آن را باطل اعلام میکند و بلکه این تقوای افراد است که به خدا میرسد.

لَنْ يَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٧﴾

هرگز [نه] گوشتهای آنها و نه خونهایشان به خدا نخواهد رسید ولی [این] تقوای شماست که به او می رسد این گونه [خداوند] آنها را برای شما رام کرد تا خدا را به پاس آنکه شما را هدایت نموده به بزرگی یاد کنید و نیکوکاران را مژده ده (٣٧)

در حلقه ها، امورات غیبی بسته به شرایط حلقه، به مادیات نگاشت میشود و معنویتها از بین میروند. اثرات قربانی کردن به پاشیدن خون قربانی تبدیل میشود. در حالی که اثرات قربانی، یک امر معنوی است و قابل پاشیده شدن نیست. در داخل حلقه ها، دعا کردن به درگاه خدا به یک نوشته تبدیل میشود و داخل یک پارچه گذاشته میشود و افراد با خود حمل میکنند. به این طریق معانی و مفاهیم واقعی کارها از بین میرود و به این طریق شیطان روح و معانی کارهای خیر را میدزدد و نمی گذارد به مقصد برسد. در حلقه ها، برای جلوگیری از حسادت، تابلوی چشم زخم نصب میکنند و آنان بجای توکل به خدا، به یک تابلو و نوشته دل می بندند.

در حلقه ها، توجه به ارحام قطع میشود و به ارتباطات داخل حلقه محدود میشود. در حالی که قرآن به توجه به نزدیکان توصیه می فرماید(وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ**).**

أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿١﴾

ای مردم، پروردگارتان را در نظر داشته باشید؛ یکتایی که شما را از یک تن آفرید و از آن زوجش را آفرید، سپس از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده ساخت. ارادت و توجه خود را به خدا معطوف دارید، به آنکه سوگند می خورید، و به نزدیکان خود ارادت و توجه داشته باشید. خدا مراقب شماست (۱)

درحلقه ها آدمیان شبیه هم میشوند و به سیاهی لشکر و ربات تبدیل میشوند و از خود ابداعات جدید و متفاوتی ندارند. توجه کرده اید که عملهای جراحی زیبایی، آدمیان را شبیه هم میسازد و با اعمال جراحی زیبایی، آدمیان قیافه های یکسان و

شبیه به هم پیدا میکنند. آیا این همان تبدیل شدن به ربات نیست؟ حلقه ها از آدمیان رباتهای سرسپرده میسازند. در اینجا وقتی از حلقه ، حرف میزنیم، منظورمان حلقه از نوع پنداری است و حلقه های فیزیکی مد نظر ما نیست. حلقه های پنداری دیده نمیشوند. ممکن است که دو نفر در دو قاره مختلف عضو یک حلقه پنداری باشند. سیستم رحمانی براساس حلقه نیست. خدا راه راست (صراط المستقیم) را در عوض حلقه برای ما گذاشته است تا طبق آن عمل کنیم و به نظام رحمانی پایبند باشیم.

کسانی که بطور کامل جذب یک حلقه شرّ میشوند، روان خود را به شیطان میفروشند تا با این روش به ثروت و شهرت دست پیدا کنند. سیستم حلقه هم آنان را در داخل حلقه مشهور میکند و شاید مقام و ثروتهایی بدست آورند. بعدا فالوورهای حلقه، حسرت موقعیت اینها را میخورند و آنان هم میگویند که ما هم باید روانمان را بفروشیم به شیطان و چنین موقعیتی کسب کنیم.

در بعضی حلقه ها، برای خوب بودن، یک صفت خوب(هر چند ظاهری) کافیست. مثلا در بعضی گروهها، هیتلر را فرد خوبی معرفی میکنند و دلیل آنها هم این است که میگویند آدم مقتدری بوده است. یا اینکه میگویند صدام آدم خوبی بود زیرا مقتدر بود. طریقه قضاوت در این حلقه ها با واقعیت متفاوت است. این که هیتلر میلیونها نفر را کشت را در نظر نمی گیرند.

بعضی حلقه ها با توجه به طرز تفکری که بر آنها حاکم است، حتی طریقه غذا خوردنشان و طرز پوششان هم فرق دارد و به یک مزیت و برتری تبدیل میشود. بعضی ها گیاه خوار میشوند و بعضی ها فقط غذاهای خوشمزه میخورند و به غذاهای

مسکین رغبت نمی کنند. مسکین کسی است که محل سکونت مناسبی ندارد. ممکن است که مسکین بعضی از امکانات آشپزی را نداشته باشد، بنابراین هر غذایی را نمی تواند بپزد. غذاهایی که مسکین می پزد، غذاهایی ساده و با چاشنی و مواد کمتر است. خدا از ما میخواهد که چنین غذاهایی هم بخوریم تا نفس خویش را کنترل کنیم. بعضی ها به علت دارا نبودن ، هر غذایی را با نان می خورند ولی در حلقه هایی که به مرفه بودن می نازند، چنین امری را مسخره میکنند.

وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿٣٤﴾ و به طعام مسکین رغبت نمیکرد (۳۴)

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ ﴿٣٥﴾ پس امروز او را در اینجا حمایتگری نیست (۳۵)

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ ﴿٣٦﴾ و خوراکی جز چرکابه ندارد (۳۶)

لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ ﴿٣٧﴾ که آن را جز خطاکاران نمی خورند (۳۷)

هدف اصلی شیطان در تشکیل حلقه ها، به هم ریختن نظام رحمانی است. در قسمت موسیقی، بعضی خواننده ها وارد فاز خاصی میشوند و مشهور میشوند و به این طریق برای تاثیر گزاری و جذب مخاطب از آنان استفاده میشود.

دلیل اینکه چرا آدمیان جذب این حلقه ها میشوند؛ زیاد است. یکی کمبود معنویت است. آدمی مثل غذا به معنویت نیاز دارد که اگر دین خدا را انتخاب نکند، گیر معناهای کاذب خواهد افتاد. آنان بخاطر کمبود معنویت، به این حلقه ها پناه می برند و به عبارت دیگر به شیاطین این حلقه ها پناه میبرند. مردم نمی دانند که شیطان فقط

غرور و تکبر و هیچ را به افراد میدهد و چیز دیگری برای معامله ندارد. عرش آسمانها و زمین دست خداست. همه کائنات را خدا آفریده است. معناها و لذات و ماهیتهای واقعی فقط نزد خداست.

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٨٩﴾

و فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست و خداوند بر هر چیزی تواناست (١٨٩)

إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١١٦﴾

در حقیقت فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست زنده می کند و می میراند و برای شما جز خدا یار و یاوری نیست (١١٦)

در حلقه ها، هم فرکانس شدن یکی از لذتهاست که به آنها همسویی میدهد. مثلا شبها مردم، ساعت ۱۲ یا یک شب، مشغول دیدن فیلمهای عشقی و خیانت میشوند و همگی در آن حین، لذت کاذب میبرند و یا حسرت میخورند و غمگین میشوند و یا استرس می گیرند. اگر هم توجه کنید؛ لذات و احساسات کاذب اینجور فیلمها، در همان ساعتی که همگی نگاه میکنند، بیشتر است. زیرا در آن ساعت، کل افراد حلقه نگاه میکنند و همسویی و هم فرکانسی بین آنها پیش میاید و از طرف شیاطین حلقه، دچار غرور کاذب میشوند.

این صفات شیطانی برای اعضاء جمع و حلقه، با هم بروز میکند و به مرحله اجرا میرسد. این یک نوع هم فرکانس شدن است و به نوعی فراخوانی دسته جمعی

شیاطین هم هست. توجه کنید که در اینجا منظورمان فرکانس فیزیکی نیست، بلکه فرکانس پنداری است که توسط شیاطین منتقل میشود.آنها همگی در آن لحظه، به فرکانس مشخصی در پندار نزدیک میشوند و تجمع شیاطین در آن فرکانس مشخص صورت می گیرد. حتی اگر فردی این فیلمها را ندیده باشد و از طریق مدیتیشن و یوگا خود را به آن فرکانس برده باشد، تحت تاثیر این شیاطین قرار خواهد گرفت. اینها همگی یک نوع خطرات و شرّ پنداری است که کسی متوجه آن نیست. دقیقا به این خاطر است که مدیتیشن و یوگا بسیار مضرند و پندار انسانها را تحت کنترل شیاطین قرار میدهند.

کلمه فلق در سوره فلق به این مورد مهم اشاره دارد. هر چند که مترجمین قرآن فلق را به سپیده دم ترجمه کرده اند ولی معنای این کلمه گسترده تر از این معناست و به معنای زمان تحت تاثیر قرار گرفتن از فرکانسهای کور هم هست. فلق به نوعی زمان گرگ و میش است. فرکانسهای کور همان شرّ هایی هستند که ایجاد میشود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ به نام خدای رحمتگر مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿۱﴾ بگو پناه می برم به پروردگار سپیده دم (۱)

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿۲﴾ از شر آنچه آفریده (۲)

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿۳﴾ و از شر تاریکی چون فراگیرد (۳)

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿۴﴾ و از شر دمندگان افسون در گره ها (۴)

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿۵﴾ و از شر [هر] حسود آنگاه که حسد ورزد (۵)

در این سوره، به چهار نوع شرّ اشاره فرموده است که تمام این شرّ ها، فرکانسها و شیاطینی را وارد فضای آدمیان میکنند که برای انسان مشکل ایجاد میکنند. حسادت یکی از این شرّهاست که فرکانسهای مضرّی را در افراد حلقه منتشر میکند. وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ به این موضوع اشاره دارد. (و از شر هر حسود آنگاه که حسد ورزد) به زمانی (إِذَا) اشاره میکند که حسود، حس حسادت از خود بروز میدهد. این یک حس شیطانی است و شیطان به بهانه جلوگیری از این حسادت، آنها را وابسته به دکل چشم زخم میکند. شیطان برای حل مشکلاتی که خودش در آن دخیل است، روشهای حل خودش را دارد و البته روشهای حل او یک تله و جاسوس است. خیلی جالب است. شیطان خودش مشکل درست میکند و روش حل خودش را هم برای حل آن ارائه میکند. البته روش حل او ، در اصل روش حل نیست و بلکه یک نوع تله گذاری است. افراد حلقه برای در امان ماندن از این شرّ، برای خود نماد چشم زخم نصب میکنند. نماد چشم زخم نه تنها، از حسادت جلوگیری نمی کند، بلکه به عنوان دکل در حلقه عمل میکند و افراد را وابسته به حلقه میکند. البته این خود نماد چشم زخم نیست که به عنوان دکل عمل میکند، بلکه توجه و روی آوردن به نماد است که شیاطین را جذب میکند. ما باید بدانیم که شیاطین از نمادها برای فریب آدمیان بهره می برند. وقتی کسی به این نماد دل می بندد، به نوعی به یک دکل امواج تبدیل میشود و شیاطین را جذب خود میکند. بنابراین فردی که این علامت را در خانه خود نگه میدارد؛ بجای

محافظت از خود؛ عملا به یک تقویت کننده شیاطین تبدیل میشود و عملا دروازه معنوی محل زندگی خویش را برای ورود شیاطین به خانه و کاشانه خود باز میکند .
توجه کنید که فرد از ترس شیطان به چنین نمادی پناه می برد ولی در عوض شیطان را به خانه خود راهنمایی میکند و بوسیله این نماد به او فرکانس میدهد. این نوع فریب، جزو بزرگترین حربه های شیطان در طول تاریخ بوده است.
در این حالت باید فقط به خدا پناه برد تا از دست اینها نجات پیدا کرد و تنها راه هم همین است. النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ **یعنی دمندگان در گره ها. در حلقه ها مشکلات آدمیان خیلی متفاوت تر از بیرون حلقه است. مثلا اگر فردی در درون حلقه بخصوصی ، دماغش را عمل نکند؛ احساس کمبود میکند و این به یک مشکل بزرگ برای او تبدیل میشود. در حالی که در نظام رحمانی؛ چنین مشکلی وجود ندارد. بنابراین دغدغه هایی که درون حلقه ها هست، در نظام رحمانی اصلا نیست. به همین خاطر است که سطح استرس و افسردگی و نا امیدی و غم و اندوه در جامعه بالا رفته است. در حلقه شرّ، آدمیان تحقیر میشوند و آبرویشان به خطر می افتد و به آنها آسیب میرسد. افراد داخل حلقه، برای هم بار اضافی ایجاد میکنند و حتی گاهی بارها را به یکدیگر منتقل میکنند.**
افراد داخل حلقه ها، برای توجیه اعمال نامناسب خود، خود را با حلقه های متفاوت مقایسه میکنند. مثلا یک یهودی می گوید که ما متفاوتیم زیرا مثل مسیحیان ، نمیگوئیم که مسیح خداست. آنان سایر اعمال و نقطه های ضعفهای خود را نمی بینند

و فقط همین نقطه قوت خود را می بینند. هر گروهی به آنچه که نزدش است و دیگران ندارند، خوشحال است.

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿۵۳﴾
تا کار [دین]شان را میان خود قطعه قطعه کردند [و] دسته دسته شدند هر دسته ای به آنچه نزدشان بود دل خوش کردند (۵۳)

فَذَرْهُمْ فِي غَمْرَتِهِمْ حَتَّى حِينٍ ﴿۵۴﴾
پس آنها را در ورطه گمراهي‌شان تا چندی واگذار (۵۴)

یا مثلا کسانی که فیلمهای نامناسب نگاه میکنند، به خود میبالند و میگویند که کار ما از دزدی و زنا که بهتر است و به این طریق خود را با حلقه های دیگر مقایسه میکنند و البته همه اینها نوعی بهانه گیری است برای بیرون نیامدن از حلقه خود.

وقتی برای اعضاء یک گروه ، حرفهایی بزنی که مبانی فلسفی آنان را زیر سوال ببرد، انگشت در گوش فرو می برند تا نشنوند. مثل کسی که جلو چشمان خود را می گیرد تا بعضی چیزها را نبیند. اینجور رفتار کردن، فرار از واقعیت است و اصلا این خودش نشانه بطلان این حلقه های شرّ است.

وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصَرُّوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا ﴿۷﴾

و من هر بار که آنان را دعوت کردم تا ایشان را بیامرزی انگشتانشان را در گوشهایشان کردند و ردای خویشتن بر سر کشیدند و اصرار ورزیدند و هر چه بیشتر بر کبر خود افزودند (۷)

جالب است که اعضاء این حلقه ها، پندار مومنان را سفیهانه میدانند. اما خدا می فرماید که اینها خودشان متوجه نیستند و گرنه سفیه اصلی خودشانند. بعضی از اعضاء حلقه ها، کسانی که جزو این گروهها نیستند، را مسخره میکنند و فردی که از جزئیات حلقه آنها بیخبر است؛ را مخاطب قرار میدهند و می گویند که تو توی باغ نیستی! در این جا منظورشان از باغ، همان حلقه ساختگی خودشان است.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾

و چون به آنان گفته شود همان گونه که مردم ایمان آوردند شما هم ایمان بیاورید می گویند آیا همان گونه که کم خردان ایمان آورده اند ایمان بیاوریم هشدار که آنان همان کم‌خردانند ولی نمی دانند (۱۳)

خدای مهربان ، در آیه بعدی می فرماید که بعضی افراد ظاهرا ایمان می آورند ولی در اصل، با شیاطینِ حلقه هایشان هستند (وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ)**. در اینجا کلمه** شَيَاطِينِهِمْ (شیطانهای خود) **دلالت بر شیطانهای حلقه دارد.**

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ ﴿١٤﴾

و چون با کسانی که ایمان آورده اند برخورد کنند می گویند ایمان آوردیم و چون با شیطانهای خود خلوت کنند می گویند در حقیقت ما با شماییم ما فقط [آنان را] ریشخند می کنیم (۱۴)

جنیان مومن در سوره جن، سردسته اصلی حلقه ها را سفیه می نامند.

وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا ﴿۴﴾ و [شگفت] آنکه کم خرد ما در باره خدا سخنانی یاوه می سراید (۴)

مفهوم شفا و درمان، در میان بعضی حلقه ها با واقعیت تفاوت دارد و فرق میکند. وقتی یکی مریض میشود، فورا به او مسکن و انواع داروهای شیمیایی میدهند که ظاهرش خوب نشان دهد. آنها فکر میکنند که اگر ظاهر بیمار خوب نمایش داده شود، پس یعنی حال بیمار خوب است.

پیامبر ابراهیم نمونه خوبی برای رد کردن حلقه ها بود. او تلاش کرد که مردمش فارغ از همه اختلافات، نعمات نظام رحمانی را احساس کنند و قدردان هدیه زندگی باشند. آزادی هر فردی، در اصل آزادی نفس اوست. وقتی از گروهها و حلقه ها حرف میزنیم؛ یعنی گروهها و حلقه های پنداری. این حلقه ها و گروهها، یک نوع زندان برای نفس ما هستند. هر کس از آزادی و نعمتی که خدا به او داده است، سوء استفاده کند، خود را در یک حلقه محصور و زندان میکند و برای همیشه از رحمت خدا دور خواهد ماند. اگر خدا کسی را لعنت کند، آن فرد موفق نخواهد شد از حلقه بیرون آید و در نهایت کل حلقه توسط جهنم بلعیده خواهد شد. اگر قرآن را مطالعه کرده باشید، متوجه خواهید شد که افراد یک گروه و یا حلقه با همدیگر وارد جهنم خواهند شد.

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنْذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَى وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿۷۱﴾

و کسانی که کافر شده اند گروه گروه به سوی جهنم رانده شوند تا چون بدان رسند درهای آن [به رویشان] گشوده گردد و نگهبانانش به آنان گویند مگر فرستادگانی از خودتان بر شما نیامدند که آیات پروردگارتان را بر شما بخوانند و به دیدار چنین روزی شما را هشدار دهند گویند چرا ولی فرمان عذاب بر کافران واجب آمد (۷۱)

قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿۷۲﴾

و گفته شود از درهای دوزخ درآیید جاودانه در آن بمانید وه چه بد [جایی] است جای سرکشان (۷۲)

یکی از نعمتهای بزرگی که خدا برای ما قرار داده است، نعمت شب و فراموشی است. وقتی ما شبها می خوابیم، خیلی چیزها را فراموش میکنیم که اگر اینطور نبود، در عرض یک ماه دیوانه میشدیم. یک نوع بیماری نادر هست که افراد مبتلا به آن، زندگی هفت هشت سال گذشته خویش را با جزئیات کامل، بطور ریز در حافظه دارند که البته زیاد هم جالب نیست و واقعا اذیت میشوند. فراموشی و شب و خواب بزرگترین نعمتهایی هستند که خدا به انسانها داده است. خدا انسانها را بطور طبیعی جوری آفریده است که از گذشته، فقط قسمتهایی را بیاد بیاوریم و همانقدر کافی است و بیشتر از آن اذیت است. هر حلقه یکسری نمادها دارد که برای اعضایش یادآورنده است و البته نمادهای حلقه، یادآورنده های رحمانی را بی اثر میکنند. کسی که یک انگشتر برای کسب قدرت و اعتماد به نفس دستش کرده است، به محض بیدار شدن، این انگشتر را می بیند و دوباره در فاز حلقه فرو میرود و امروزش میشود همان روز

قبل و تکرار و تکرار بیفایده. یا کسی که تصویر خاصی را در اتاقش نصب کرده است ؛ به محض وارد شدن به خانه، این نماد به او یادآوری میشود. یا افراد خود را شرطی کرده اند و هر روز بی هدف و از سر بی حوصلگی، به یک سری سایتهای مُد و استایل سر میزنند و صفات حسادت و حسرت خود را دوباره بیدار میکنند. اما خدای مهربان، در عوض شب و روز و ماه و ستارگان و خورشید و هزاران گل و گیاه و پرنده و چرنده آفریده است که ما اینها را در طول شب و روز ببینیم و به یاد خدا بیفتیم و از دست یادآورند های حلقه ها نجات پیدا کنیم.

اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُمْ بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ ﴿٨١﴾

و خدا از آنچه آفریده به سود شما سایه هایی فراهم آورده و از کوهها برای شما پناهگاه هایی قرار داده و برای شما تن‌پوشهایی مقرر کرده که شما را از گرما [و سرما] حفظ می کند و تن‌پوشها [=زره ها]یی که شما را در جنگتان حمایت می نماید این گونه وی نعمتش را بر شما تمام می گرداند امید که شما [به فرمانش] گردن نهید (۸۱)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ ﴿٣٢﴾

خداست که آسمانها و زمین را آفرید و از آسمان آبی فرستاد و به وسیله آن از میوه ها برای شما روزی بیرون آورد و کشتی را برای شما رام گردانید تا به فرمان او در دریا روان شود و رودها را برای شما مسخر کرد (۳۲)

وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ﴿٣٣﴾

و خورشید و ماه را که پیوسته روانند برای شما رام گردانید و شب و روز را [نیز] مسخر شما ساخت (۳۳)

هر چیزی که خدا را به یاد ما بیاورد و ما را از دست یادآورنده های حلقه ها نجات دهد، نعمت بحساب میاید. ولی متاسفانه انسان ناسپاس و ستم پیشه است. ستم پیشه است، زیرا هر گونه گرایش به یادآورنده های حلقه، ظلم به سایر اعضاء جامعه هم هست. زیرا با اینکار شیاطین بیشتری بر روی آن جامعه آوار میشوند.

وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ﴿۳۴﴾

و از هر چه از او خواستید به شما عطا کرد و اگر نعمت خدا را شماره کنید نمی توانید آن را به شمار درآورید قطعا انسان ستم‌پیشه ناسپاس است (۳۴)

قبلا افراد داخل حلقه ها از نظر تعداد محدود بودند، ولی اکنون فضای مجازی تعداد افراد حلقه ها را تصاعدی بالا برده است و انرژی های حلقه ها خیلی زیاد شده است و اگر به همین منوال پیش رود؛ انسان قادر به ادامه حیات سالم در زمین نخواهد بود و بطور کامل حلقه به گوش شیاطین میشوند. خدای قادر توانا، بزودی از قدرت شیاطین کم میکند و آنان را ضعیف تر میکند و گرنه انسانها تحمل این همه فشار و بار را ندارند. البته در عوض تضعیف شیاطین، محیط زیست انسان هم هبوط پیدا میکند. نزدیکیهای قیامت، حلقه های شرّ نزدیک هم میشوند و تا حدودی متحد میشوند و شیطان قدرت اصلی خودش را به نمایش میگذارد و البته این قضیه با شدت کمتر در آخر عصرها هم رخ میدهد.

هر حلقه شرّ یک شیشه عمر دارد که بعد از مدتی انرژی آن خاموش میشود. حلقه های شرّ زیادی در طول تاریخ بوجود آمدند و از بین رفتند. وقتی حلقه از بین رود؛ تمام کارهای به ظاهر خوبی که در حلقه انجام شده است، از بین میروند (حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ**). به همین خاطر خدا می فرماید که :**

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلَاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلَاقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلَاقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿۶۹﴾

[حال شما منافقان] چون کسانی است که پیش از شما بودند آنان از شما نیرومندتر و دارای اموال و فرزندان بیشتر بودند پس از نصیب خویش [در دنیا] برخوردار شدند و شما [هم] از نصیب خود برخوردار شدید همان گونه که آنان که پیش از شما بودند از نصیب خویش برخوردار شدند و شما [در باطل] فرو رفتید همان گونه که آنان فرو رفتند آنان اعمالشان در دنیا و آخرت به هدر رفت و آنان همان زیانکارانند (۶۹)

خدای مهربان از بیت عنکبوت برای ما مثال می آورد که خانه اش جزو سسترین خانه هاست. آزمایشات عینی ثابت کرده است که عنکبوت ماده، بعد از پایان جفت گیری، عنکبوت نر را میخورد.

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۴۱﴾

داستان کسانی که غیر از خدا دوستانی اختیار کرده اند همچون عنکبوت است که خانه ای برای خویش ساخته و در حقیقت اگر می دانستند سست ترین خانه ها همان خانه عنکبوت است (۴۱)

عنکبوت از این خانه حمایت می کند و جفت گیری می کند ولی در پایان، زنده خورده می شود. کسانی که برای حلقه ها و اهداف حلقه ها کار میکنند، بدون اینکه بدانند به سوی هلاکت پیش می روند. حلقه ها خانه های سست بنیاد هستند و هر لحظه ممکن است از بین روند.

اما مومنان، کارهای نیکی که انجام میدهند، هیچوقت از بین نمیرود، زیرا اصلا هر کار نیکی که ما در خارج از حلقه ها، انجام میدهیم، انگار همانوقت داریم در آخرت؛ یک بنیانی برای خود میسازیم. اما در حلقه ها، کارها و تلاشها همگی محدود به همان حلقه است. اعمال صالح و کردار نیک تا قیامت بُرد دارند اما تلاش وکوشش در حلقه؛ فقط تا همان حلقه موثر است؛ به محض نابودی حلقه، همه چیز از بین میرود. به همین خاطر خدا می فرماید که : خُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ **یعنی شما در باطل (حلقه های شرّ) فرو رفتید همان گونه که آنان فرو رفتند؛ آنان اعمالشان در دنیا و آخرت به هدر رفت. فرورفتن در حلقه ها، یعنی غرق شدن در آن، یعنی پذیرفتن قوانین حلقه های شرّ.**

غرق شدن در هر حلقه ای، فقط ظلم به خود نیست، بلکه ظلم به یک جمع است. ما برای محافظت از خود و انسانهای دیگر، باید فقط خدا را سرور و خدای خود قرار دهیم و وارد هیچ گونه حلقه ای نشویم و شیاطین را رقیب خدا قرار ندهیم. خدا همه ما را به راه راست هدایت کند. خدای رحمان دعاها و راستی ها و کردار نیک ما را

بپذیرد و گناهان گذشته مان را ببخشد و ما را شایسته ورود به ملکوت او در دنیا و سپس در آخرت قرار دهد.